

تبارشناسی آزاداندیشی در سنت مردم‌سالاری دینی (مطالعه موردی: سیره رضوی)

غلامرضا خواجه‌سروی* - سید جواد حسینی**

چکیده

امروزه آزاداندیشی به‌عنوان مطالبه‌ای عمومی مطرح است. از این رو برای ترویج آن در نظام جمهوری اسلامی ایران نیازمند الگو و تباری معین و مشخص هستیم. سؤال اصلی این است که آیا در سیره اهل بیت^(ع) که به‌نوعی الگوی مبنا برای نظام جمهوری اسلامی ایران است می‌توان به شیوه و تبار معینی از آزاداندیشی رسید؟ سیره رضوی به دو دلیل این الگو را در اختیار ما قرار می‌دهد. حیات فکری و سیاسی امام رضا^(ع) باعث شده تا ایشان از روش و الگوی آزاداندیشی برای ترویج معارف اهل بیت^(ع) بهره‌گیرند. از طرف دیگر روش مناظره‌ها به‌عنوان متن الگوی آزاداندیشی، خود زمینه‌ساز ترویج و نشر معارف اسلام شده است. به‌نظر می‌رسد تشابه وضعیت جامعه امروز با جامعه معاصر امام رضا^(ع) نیز می‌تواند دلیل دیگری بر کاربردی بودن نوشتار حاضر باشد. در این مقاله با استفاده از روش مطالعات درون‌دینی و بررسی کتابخانه‌ای و همچنین با مراجعه به متون اصلی تلاش شده تا به سؤال مطرح‌شده پاسخ داده شود.

واژه‌های کلیدی

آزاداندیشی، مناظره‌ها، حیات فکری و سیاسی، سیره رضوی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۰۶

*. دانشیار گروه علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی^(ه) khajehsarvy@gmail.com

** . دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی^(ه)، مدرس و پژوهشگر دانشگاه امام صادق^(ع)
S.j.hosseini66@gmail.com

❖ مقدمه

امروزه سخن از آزاداندیشی و آزادی بیان، شاهبیت گفتار سخنگویان سنت مردم‌سالاری غربی و همچنین دینی ایرانی است. در این بین، بیش از همه، سنت مردم‌سالاری دینی ایرانی مورد بی‌مهری و هجوم حامیان سنت مردم‌سالاری غربی واقع شده است. رسولان سنت مردم‌سالاری غربی به‌طور کلی، منکر وجود آزاداندیشی و آزادی بیان و نتایج آزادی بیان در سنت مردم‌سالاری دینی ایران شده‌اند و حتی در مواجهه با مظاهر عینی آزاداندیشی، با تنزل از موضع اولیه خود، آن‌را صوری، فرمایشی و نمایشی خوانده‌اند.

علاوه بر آن، چنان بر این ادعا پافشاری شده، که در کشور ما کمتر باور به وجود آزادی بیان و آزاداندیشی در محاوره‌های سیاسی، فرهنگی و اعتقادی شکل گرفته است و به هنگام سخن از آزادی بیان و آزاداندیشی باید تلاش کرد وجود چنین چیزی را اثبات کرد و آنگاه از نتایج و فواید آن سخن گفت.

درواقع همین شکل نگرش باور وجود آزادی بیان و آزاداندیشی در جامعه ایران امروز، نتایج نامناسبی را به دنبال داشته و دارد. پیامدهای نامطلوبی چون ترس از گفتار آزادمنشانه، کناره‌گیری از دخالت واقعی در امور سیاسی، رواج روحیه عافیت‌طلبی، بی‌تفاوتی، احساس بی‌نیازی به اجرای اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - اصل امر به معروف و نهی از منکر - به‌خصوص بخش امر به معروف و نهی از منکر مردم به دولت، رواج دورویی به‌ویژه در حوزه سیاست که از نبود باور آزاداندیشی حاصل شده، بر تعمیق شکاف قدیمی دولت - ملت مؤثر واقع شده است.

شاهد مثال اینکه با توانمندی شگرفی که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در حوزه «مردمی بودن» سیاست در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایجاد کرده است، قاعدتاً می‌بایست این شکاف به حداقل ممکن خود رسیده باشد، این در حالی است که هنوز هم در ایران امروز، مظاهر و بروزهایی از چنین ضایعه تاریخی در سیاست کشور وجود دارد. بنابراین محوری‌ترین مسئله نوشتار حاضر «باور به وجود آزادی بیان و فضای آزاداندیشی

در ایرانی است که نظام جمهوری اسلامی بر آن حاکمیت دارد»، نظامی که نام آن همواره قرین آزادی و استقلال بوده، مردم ایران بر تحقق هم‌زمان هر سه مؤلفه تأکید و اصرار کرده‌اند، توقع تحقق هر سه مؤلفه را در طول زمان دارند و سعادت خود را در این امر دیده‌اند.

برای حل این مسئله، باید راه‌حل‌های متعددی یافت و به کمک آنها مشکل را حل کرد. نظر به اینکه حل مسئله مهم مذکور که دارای ابعاد متعددی است، در این مختصر نمی‌گنجد، به‌ناچار باید به حل بخشی از آن رضایت داد. اگر بتوان نشان داد که آزاداندیشی از تباری دینی برخوردار است و امامان معصوم^(ع) هم از آن استقبال کرده‌اند و برای تبیین حقایق بهره‌جسته‌اند، آنگاه به بسترسازی نهادینه شدن تدریجی آزاداندیشی در ایران کمک شایانی شده است و البته چنانچه این قضیه به‌درستی نشان داده شود آنگاه چنین نتیجه خواهد داد که همین نحوه آزاداندیشی و رفتاری که توسط اولیای دین مبین اسلام در این‌باره صورت گرفته است می‌تواند «الگوی هادی و پشتیبان» چارچوب آزاداندیشی باشد.

بر همین اساس تلاش می‌شود به این پرسش اصلی پاسخ داد که «چه شواهد و دلایلی حاکی از دینی بودن تبار آزاداندیشی در سنت مردم‌سالاری دینی ایرانی وجود دارد». استدلال ما هم این است که وجوه آشکار و نهان دین اسلام با آزاداندیشی ممزوج است و دقیقاً به همین خاطر است که امامان شیعیان و مسلمانان، همواره از برگزاری مناظره‌های آزاد استقبال کرده‌اند و همواره هم پیروز آن بوده‌اند.

برای نشان دادن صحت استدلال بالا، از روش «واکاوی یک الگو» و تعمیم نتایج حاصل از این جزء به کل بهره‌برداری می‌شود. الگوی مورد مطالعه در این بحث، سیره آزاداندیشانه امام رضا^(ع) است که به علل مختلف قابلیت بازنمایی ویژگی‌های کلیت آزاداندیشی در دین اسلام را دارد. شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان حیات آن امام^(ع)، فضایی را ایجاد کرده بود که قابلیت مطالعه کلیت دوره را می‌دهد. در حقیقت هدف اصلی نوشتار حاضر آن است که با کندوکاو سیره سیاسی امام رضا^(ع) در حوزه آزاداندیشی، به الگویی جامع برای

سنت مردم‌سالاری دینی رسید. برای دستیابی به این مهم، روش نیز مهم است. در تحقیقات سیره سیاسی ائمه^(ع) رهیافت‌های متعددی وجود دارد که عبارت‌اند از:

- مطالعات درون‌دینی؛
- مطالعات برون‌دینی؛
- مطالعات تلفیقی.

معنی هر یک از رهیافت‌های بالا روشن است پس به شرح و توضیح آنها پرداخته نمی‌شود اما در رهیافت مطالعات تلفیقی باید توجه داشت که وجود الگوی پژوهشی مدون و معین، ضرورت دارد، زیرا در غیر این صورت خطر انحراف و التقاط وجود دارد. در هر حال، رهیافت مورد نظر این بررسی، رهیافت درون‌دینی بوده و با مراجعه مسئله‌محورانه به منابع تاریخی، روایی و حدیثی و توجه به عقل در چارچوب آموزه‌ها و متون دینی است (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۲۸). از آنجایی که بررسی مستقیم همه منابع و استنباط شخصی برخی نصوص از عهده پژوهشگر عادی خارج بوده لذا برای حل این مسئله، به منابع دست اول تاریخی و مجامع روایی معتبر مراجعه شده است.

کالبدشکافی مفهومی

در این بخش ابتدا به مفاهیم اساسی و پایه پرداخته می‌شود. برای پرهیز از غوطه‌ور شدن در اختلاف‌های لفظی، تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی از مهم‌ترین واژه در این خصوص یعنی اصطلاح «آزاداندیشی»، مدنظر قرار می‌گیرد، زیرا نهاد مذکور، عالی‌ترین سازمان در ایران بوده که وظیفه اصلی آن هدایت زیرساخت‌های فرهنگی و حمایت رسمی از جریان آزاداندیشی است. از نظر شورا: «آزاداندیشی، نشستی است که در آن، افرادی از دانشگاهیان به صورت آزاد، نظام‌مند، مؤدبانه، محترمانه، عقلانی و منطقی در باب موضوع‌های معین و در حضور حضار به اظهار نظر، تبادل‌آراء و گفتگو همراه با استدلال یا ارائه مستندات می‌پردازند.»

دومین واژه مورد بحث، «سیره» بوده که منظور از آن در این نوشتار، گفتار، کردار و تأیید

حضرت رضا^(ع) در این باره است. در مورد سیره، تعاریف لغوی و اصطلاحی مطرح شده که مشهورترین آن بر این مبناست: سیره بر وزن فعله و مشتق از واژه سیر بوده و مراد از سیر رفتن، جریان داشتن و در حرکت بودن است و بر همین اساس، بسیاری، سیره را به نوع حرکت و روش نظری و عملی تعبیر کرده‌اند.^۱ در باب مفهوم‌شناسی سیره، شهید مطهری^(ره) بیش از دیگران سخن گفته است. ایشان سیره با هیئت فعله را دلیل بر این قرار داده که این هیئت معنای خاصی به آن می‌بخشد و آن معنا عبارت از نوع و سبک خاص رفتار است. به نظر ایشان هر رفتاری را نمی‌توان اصطلاحاً سیره نامید؛ بلکه رفتاری که دارای روش و سبک ویژه باشد، مصداق سیره خواهد بود. دو معنا از تعاریف مختلف مربوط به سیره به دست می‌آید: یکی معنای عام سیره که عبارت از ثبت وقایع تاریخی و سرگذشت افراد بوده، دوم معنایی خاص که سبک و قاعده رفتار است. تفاوت این دو معنا علاوه بر میزان شمول و فراگیری، در این جهت نیز ظاهر می‌شود که سیره به معنای اول، یکی از مصادر سیره به معنای دوم است، یعنی از بررسی عملکرد افراد در طول زندگی او، می‌توان به سبک و روش رفتاری وی دست یافت. از این منظر استاد شهید مطهری^(ره) نیز سیره را این‌گونه تعریف می‌کند: «سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار. مهم شناختن سبک رفتار است» (۱۳۷۷: ۴۶). هنگام تأمل در سیره سیاسی ائمه اطهار^(ع) باید توجه داشت که روش‌ها و رفتارهای آنان در درجه اول، ملهم از وحی و منطبق با آموزه‌های شریعت است. رفتار و روش امام بر مبنای علم، عصمت و حکمت الهی بوده، تفاوت در روش، تنها به ظاهر امور مربوط است و در اصول کلی و روح جریان امامت هیچ تفاوتی وجود ندارد، همان‌طور که در روایت هم آمده است (کلمه نور واحد...) (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۱۷).

سومین واژه، «مناظره» است. برای پرهیز از افتادن در دام برداشت‌های متفاوت از این مفهوم، باز هم تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی مدنظر قرار می‌گیرد. بنا بر تعریف شورا، مناظره:

۱. برای مطالعه بیشتر، به این منبع مراجعه کنید: الزبیدی، محمدمرتضی، ۱۳۷۳، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالمکتبة الحیاه.

به هرگونه مباحثه رو در رو، روشمند و منطقی میان دو صاحب نظر که به گونه تفادانه، دیدگاه‌ها و نظرهای یکدیگر را درباره موضوعی خاص به چالش می‌کشند تا دیدگاه برتر، محرز شود، گفته می‌شود و حسب مورد براساس آیین‌نامه‌های تشکل‌های اسلامی دانشگاهیان یا هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی برگزار می‌شود (به نقل از korsiha.ir).

پیشینه

ادبیاتی غنی و با قدمت به نسبت طولانی درباره آزادی عقیده، بیان و مطبوعات وجود دارد. تقریباً بخش مهم متونی که حوزه سیاست را بررسی و در آن، تحقق و توسعه سیاسی را جستجو می‌کنند، انواع آزادی و به ویژه آزادی بیان مورد بحث قرار می‌گیرد. اما «آزاداندیشی» به شکل مدنظر این نوشتار، کاملاً تازگی دارد و تنها در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و پس از آن در جراید و رسانه‌ها موجود است. اما تاکنون جز مصاحبه‌ها و گفتارهای نه‌چندان عمیق، نوشتاری به سبک علمی، آن هم با رویکرد حل مسئله در این باره وجود ندارد. بنابراین چنین نوشتاری در نوع خود جدید بوده و تازگی دارد. در بیانات مقام معظم رهبری، آزاداندیشی جزو سنت فکری تشیع بوده و تبارشناسی آزاداندیشی در تفکر تشیع، به سیره و روش ائمه معصومین^(ع) نسبت داده شده است. «آزادفکری و عقلانیت شیعه، این دو عنصر در کنار هم، مایه افتخار ماست. تفکرات شیعه، عقلانی است. ما از اول تشیع در تعالیم ائمه^(ع) به سوی عقل، منطق و استدلال سوق داده شدیم و همین‌طور هم باید عمل بکنیم» (به نقل از www.farsi.khamenei.ir).

همچنین در مقام گسترش فرهنگ آزاداندیشی در نظام جمهوری اسلامی، ایشان در جمع دانشجویان نخبه علمی به این موضوع مهم اشاره داشته‌اند:

فکر کنید، بگوئید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید، آن کرسی‌های آزاداندیشی را که من ۱۰۰ بار - با کم و زیادش - تأکید کردم، راه بیندازید و اینها را همی آنجا بگوئید، این می‌شود یک فضا. وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد،

تبارشناسی آزاداندیشی در سنت ... ❖ ۸۵

همه در آن فضا فکر می‌کنند، همه در آن فضا جهت‌گیری پیدا می‌کنند، همه در آن فضا کار می‌کنند، این همان چیزی است که شما می‌خواهید. بنابراین اگر چنانچه این کاری که شما مثلاً در فلان نشست، در فلان مجموعه دانشجویی تان کردید، فکری که کردید، ترجمه عملیاتی نشد، به صورت یک قانون یا به صورت یک دستورالعمل اجرایی درنیامد، شما مایوس نشوید، نگوئید پس کار ما بی‌فایده بود، نخیر. من به شما عرض بکنم در این ۱۵،۱۶ سال اخیر، همین حرکت علمی‌ای که آغاز شده، همین جور آغاز شده، همین جور امروز علم شده یک ارزش، چند سال قبل این جور نبوده. ما همین‌طور روزبه‌روز هی پیش رفتیم (به نقل از www.farsi.khamenei.ir).

نتیجه آنکه به‌رغم وجود تباری روشن و غنی از آزاداندیشی در سنت و سیره معصومین^(ع) و خطوط فکری تشیع، همچنین تلاش مقام معظم رهبری برای گسترش فرهنگ آزاداندیشی در سنت مردم‌سالاری دینی و در بطن نظام جمهوری اسلامی ایران، هنوز برای این منظور، کار درخور توجهی انجام نشده است. در این بخش برای تبارشناسی آزاداندیشی، سیره امام رضا^(ع) به‌عنوان یک الگوی مبنایی واکاوی می‌شود. وضعیت فکری و فرهنگی جامعه معاصر ایشان به‌نوعی متأثر از عوامل سیاسی-اجتماعی بود که روش مناظره و آزاداندیشی در این فضا می‌توانست برای گرایش جامعه به‌سوی معارف اصیل اسلام راهگشا باشد.

حیات سیاسی امام رضا^(ع)

علی بن موسی^(ع) مشهور به رضا، امام هشتم شیعیان در سال ۱۴۸ ق. در مدینه زاده شد (ابن بابویه، ۱۳۷۷ ق، ج ۱: ۱۸؛ حسینی، ۱۳۷۵: ۳۴). وی دوران کودکی و نوجوانی را زیر نظر پدر خود سپری کرد و از نزدیک شاهد فراز و فرودهای زندگی پدر و قیام‌ها و نهضت‌های دوران وی بود. اوج مشکلات ایشان زمانی بود که هارون، امام موسی^(ع) را گرفتار زندان ساخت و از شهری به شهر دیگر انتقال داد تا آنکه سرانجام در سال ۱۸۳ ق.

دور از خانه و فرزندان، در بغداد به شهادت رسیدند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۲۵۱). از آن پس عموم شیعیان بر گرد امام رضا^(ع) اجتماع کردند و امامت وی را گردن نهادند. ایشان در سایه فرصتی که در زمان امامت بعد از شهادت پدرشان به وجود آمد، هدایت بی سر و صدای شیعیان را بر عهده گرفتند و با برپایی مجالس درس و بحث در مدینه، یاد و خاطره محافل علمی جدشان امام صادق^(ع) را در اذهان زنده کردند. دوران امامت امام رضا^(ع) مقارن با خلافت هارون، امین و مأمون عباسی بود، تا آنکه در سال ۲۰۴ ه.ق با توطئه مأمون در سناباد طوس به شهادت رسیدند و کنار مدفن هارون به خاک سپرده شدند (نوبختی، ۱۳۵۵ق: ۸۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۷ق، ج ۱: ۱۹ - ۱۸؛ خضری، ۱۳۹۱: ۱۹۲-۱۹۱).

از بررسی منابع تاریخی چنین برمی آید که هارون پس از شهادت امام کاظم^(ع) برای رهایی از ننگ بدنامی و اتهام قتل فرزند پیامبر اکرم^(ص)، خاندان و فرزندان ایشان را وانهاد و امام رضا^(ع) را به حال خود در مدینه رها ساخت. هارون از ترس شعله ور شدن حرکت های اعتراضی علویان، پس از شهادت امام هفتم^(ع) تصمیم گرفت از فشار بر شیعیان بکاهد و حتی در پاسخ کسانی که وی را به قتل امام هشتم^(ع) تحریک می کردند، چنین می گوید: «بس نیست برای تو آنچه نسبت به پدرش انجام دادیم، می خواهی همه اینها را بکشم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۱۳). امام رضا^(ع) با آگاهی از این مسئله، ارتباطات از هم گسیخته شیعیان را از نو برقرار ساختند و با تشکیل محافل علمی به نشر و گسترش معارف دینی و اخلاقی پرداختند. پس از درگذشت هارون و خلافت امین، به دلیل آغاز درگیری های خاندانی و جنگ برادرکشی میان امین و برادر بزرگ ترش مأمون بر سر خلافت، امام رضا^(ع) و شیعیان از تعرض دستگاه خلافت در امان ماندند و بدین ترتیب مجالس درس و ارتباطات ایشان با شیعیان با آسودگی خیال برپا می شد (همان). آزادی نسبی مهیاشده برای حضرت در این شرایط، سبب شد ایشان امامتشان را به صراحت اعلام کنند (عطاردی، ۱۳۶۸: ۲۶۸). فعالیت های فرهنگی و علمی وسیع امام رضا^(ع) و تربیت شاگردان بی شمار، از جمله رویدادهای این دوره است (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۱۲۷). اما پس از قتل امین و آغاز خلافت

مأمون به ناگهان تحولی شگرف و باورنکردنی در برخورد دستگاه خلافت با امامان شیعی به وقوع پیوست و آن، اقدام مأمون برای سپردن جانشینی خود به امام رضا^(ع) بود که نه تنها شیعیان و عباسیان، بلکه حتی عامه مردم را در شگفتی فرو برد. آنچه که روشن است اینکه هم‌زمان با آغاز خلافت مأمون و به دنبال درگیری طولانی مدت وی با برادرش امین، تشیع در ایران، عراق و حجاز گسترش چشمگیری یافت. زمانی که امام رضا^(ع) در راه مرو وارد نیشابور شدند، علاوه بر تعداد زیاد استقبال‌کنندگان، ۲۰ هزار کاتب، حدیث سلسله‌الذهب را نوشته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۳۵). همچنین این کلام امام رضا^(ع)، از گستردگی شیعیان در آن زمان حکایت دارد: «لقد كنت بالمدينة و کتابی ینفذ فی المشرق و المغرب ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۵۹). گستردگی و نفوذ شیعیان تا آنجا پیش رفته بود که گزارش شده تعدادی از شیعیان در دستگاه خلافت عباسی صاحب مقام بوده و برخی از آنها صاحب منصب قضاوت بوده‌اند (امین، ۱۴۰۳، ج ۳۲۴). این گسترش معلول دو چیز بود:

۱. ستیز میان امین و مأمون که مدتی دستگاه خلافت را به خود مشغول ساخت و بدین ترتیب فرصت مناسبی برای گسترش تبلیغات و انجام فعالیت گروه‌های مختلف شیعی فراهم شد (مسعودی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۴۱۵)؛

۲. انتقال پایتخت عباسیان از بغداد به مرو که از سوی مأمون انجام گرفت. وی مادری ایرانی داشت و خود پیش از خلافت نیز فرمانروای عباسیان در ایران بود، پس از قتل برادر و دستیابی به خلافت برای جلب رضایت آنان، پایتخت خود را به مرو منتقل کرد و بدین‌گونه، بغداد، پایتخت افسانه‌ای عباسیان را به حال خود رها ساخت. با آنکه مرو پیش از آن مرکز فرمانروایان عباسی در خراسان بود، دوری آن از مراکز مهم اجتماعی و سیاسی در عراق، حجاز و شام و به تبع آن دوری مأمون از حوادث و رویدادهایی که در آن مناطق در حال وقوع بود، موجب شد تا بار دیگر کانون‌های شیعی در عراق و حجاز به جنبش درآیند و قیام‌های متعدد شیعی یکی پس از دیگری به ظهور رسد (اصفهانی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۷۱۴ - ۷۰۴؛ خضری، ۱۳۹۱: ۱۹۲).

هنگامی که مأمون گسترش تشیع در ایران و عراق را مشاهده کرد، از خطر جنبش‌های علوی نسبت به خلافت و حکومت خود بیمناک شد و پس از چاره‌اندیشی، برای اینکه مردم مناطق یادشده را که پیوسته ترکیب سیاسی خاص و مستقلمی داشتند، به مسیری تازه اندازد و آنان را با سیاست خلافت موافق و هماهنگ سازد، به اقدامی کاملاً بدیع دست زد. او، علی بن موسی الرضا^(ع) را در دوم رمضان ۲۰۱ ه.ق ولیعهد و جانشین خود ساخت، شعار سبز علویان را جایگزین شعار سیاه عباسیان کرد و بدین سان یکی از وقایع مبهم و پیچیده تاریخ عباسی را رقم زد (مسعودی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۴۴۱). از این رو آشکار می‌شود که مأمون، از روی فریب‌کاری ولیعهدی را به ایشان سپرد تا هم به خلافت خود مشروعیت بخشد، توجه محافل شیعی را به خود جلب کند و آنان را از اندیشه قیام بازدارد و هم با استمالت از علویان، مردم خراسان و عامه ایرانیان را برای یاری خویش یک‌دل سازد و در نهایت به آن دسته از عباسیان متعصبی که به دلیل تعصب سخت عربی و به بهانه آنکه مادر مأمون کنیزی ایرانی بوده، از امین طرف‌داری و شایستگی مأمون را برای خلافت انکار کرده بودند، پاسخ درخوری دهد (همان: ۳۵۶). شهید مطهری^(ره) نیز در کتاب سیری در سیره ائمه اطهار^(ع) یکی از احتمال‌های طرح مأمون را خلع سلاح علویان، امام رضا^(ع) و شیعیان آن حضرت در بُعد مبارزه سیاسی می‌داند.

احتمال دیگر در باب سیاست مأمون که ابتکار از خودش بوده و سیاستی در کار بوده، مسئله خلع سلاح کردن خود امام رضا^(ع) است و این در روایت‌های ما هست که حضرت رضا^(ع) روزی به خود مأمون فرمودند: «هدف تو این است.» می‌دانید وقتی افرادی که نقش منفی و نقش انتقاد را دارند به یک دستگاه انتقاد می‌کنند، یک راه برای اینکه آنها را خلع سلاح کنند این است که به خودشان پست بدهند. بعد اوضاع و احوال هر چه که باشد، وقتی که مردم ناراضی باشند آنها دیگر نمی‌توانند از ناراضی‌تی مردم استفاده کنند و بر عکس، مردم ناراضی علیه خود آنها تحریک می‌شوند. مردمی که همیشه می‌گویند خلافت حق آل علی^(ع) است، اگر آنها خلیفه شوند دنیا گلستان خواهد شد، عدالت این چنین بر پا خواهد شد و از این

تبارشناسی آزاداندیشی در سنت ... ❖ ۸۹

حرف‌ها. مأمون خواست حضرت رضا^(ع) را بیاورد در منصب ولایتعهدی تا بعد مردم بگویند: نه، اوضاع فرقی نکرد، چیزی نشد یا آل‌علی^(ع) را متهم کند که اینها تا دست خودشان کوتاه است این حرف‌ها را می‌زنند ولی وقتی که دست خودشان هم رسید دیگر ساکت می‌شوند و حرفی نمی‌زنند (مطهری، ۱۳۷۷ الف: ۲۰۹).

اما در مقام جمع‌بندی و تبیین این قسمت و برای ورود به تنه اصلی بحث، هدف‌هایی که مأمون در سیاست ولایتعهدی امام رضا^(ع) تعقیب می‌کرد عبارت‌اند از:

۱. زیر نظر گرفتن فعالیت‌های امام^(ع) و جدا کردن وی از پایگاه مردمی‌اش؛
۲. کاشتن بذر شک، بدبینی و شایعه در مورد رهبری اهل بیت^(ع) و اتهام‌گرایش به قدرت و سازش؛
۳. یافتن آرامش خاطر با انحراف مسیر و جهت اعتراض‌ها و شورش‌ها بر ضد امام^(ع)؛
۴. جلب و جذب جنبش‌های علوی؛
۵. داشتن یک رکن نیرومند علمی و معنوی در دستگاه حکومتی خود تا پشتوانه حل مسائل گوناگون باشد؛
۶. در اختیار داشتن امام^(ع)، به‌عنوان برگ برنده در مقابل عباسیان بغداد؛
۷. سوءاستفاده از امام^(ع) در رابطه با شیعیان خراسان، تا هر وقت خواست روی امام^(ع) معامله کرده و به مقاصد خود برسد؛

۸. مهم‌تر از همه، احساس خطر مأمون از سوی امام^(ع) بود که اگر روزی عَلم مبارزه‌ای آشکار برافرازد، دیگر نمی‌توان در مقابلش ایستاد (محدثی، ۱۳۷۷: ۱۸۴؛ قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۸۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۴۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۶۳؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۲۷۷؛ درخشه و حسینی‌فائق، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

مقام معظم رهبری نیز در پیام خود به کنگره بین‌المللی امام رضا^(ع) در سال ۱۳۶۳، روند حیات سیاسی عصر امام هشتم^(ع) را این‌گونه تحلیل می‌کنند:

هنگامی که مأمون در سال ۱۹۸ از جنگ قدرت با امین فراغت یافت و خلافت بی‌منازع را به چنگ آورد، یکی از اولین تدابیر او حل مشکل علویان و مبارزات تشیع

بود. او برای این منظور، تجربه همه خلفای سلف خود را پیش چشم داشت. تجربه‌ای که نمایشگر قدرت، وسعت و عمق روزافزون آن نهضت و ناتوانی دستگاه‌های قدرت از ریشه‌کن کردن و حتی متوقف و محدود کردن آن بود. او می‌دید که سطوت و حشمت هارونی حتی با به بند کشیدن طولانی و بالاخره مسموم کردن امام هفتم^(ع) در زندان هم نتوانست از شورش‌ها و مبارزات سیاسی، نظامی، تبلیغاتی و فکری شیعیان مانع شود. او اینک در حالی که از اقتدار پدر و پیشینیان خود نیز برخوردار نبود و به‌علاوه بر اثر جنگ‌های داخلی میان بنی‌عباس، سلطنت عباسی را در تهدید مشکلات بزرگی مشاهده می‌کرد، بی‌شک لازم بود به خطر نهضت علویان به چشم جلی‌تری بنگرد. شاید مأمون در ارزیابی خطر شیعیان برای دستگاه خود واقع‌بینانه فکر می‌کرد. گمان زیاد بر این است که فاصله ۱۵ ساله بعد از شهادت امام هفتم^(ع) تا آن روز و به‌ویژه فرصت پنج ساله جنگ‌های داخلی، جریان تشیع را از آمادگی بیشتری برای برافراشتن پرچم حکومت علوی برخوردار ساخته بود.

حوادث بعدی نشان داد که مأمون به ظاهر در سیاست خود موفق بوده است، زیرا بسیاری از قیام‌های شیعی با وجود امام^(ع) به‌عنوان ولیعهد خاتمه یافت و روابط ایرانیان و مأمون نیز استوارتر شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۲۶۸؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۳۳). اما این وضع دوام نیافت و روابط مأمون با امام رضا^(ع) به تیرگی گرایید. امام^(ع) در جایگاه ولایتعهدی، وارد امور سیاسی و عزل و نصب‌ها نشدند و از طرف دیگر به‌دلیل سیره خود، روز به روز بر تعداد علاقه‌مندان ایشان علاوه بر شیعیان اضافه می‌شد. بنی‌عباس در بغداد با سیاست‌های مأمون مخالف بودند و پس از ولایتعهدی امام رضا^(ع)، این اقدام مأمون را مساوی با خروج خلافت از خاندان بنی‌عباس می‌دانستند، پس در اقدامی خودسرانه، امیر منصوب مأمون را از عراق خارج ساخته، عموی مأمون را به‌جای وی به خلافت برگزیدند و با وی به‌عنوان خلیفه بیعت کردند (فضل‌الله، ۱۳۶۹: ۱۲۱). مأمون پس از احساس خطر از جانب علویان و شخص امام^(ع)، برای کنترل اوضاع، مرو را ترک و به سوی بغداد حرکت کرد. برای جلب

رضایت عباسیان در کنار زدن ایرانیان و بازگرداندن خلافت به خاندان عباسی، در سرخس فضل بن سهل وزیر ایرانی و قدرتمند خود را در توطئه‌ای به قتل رساند و سپس در سناباد طوس امام رضا^(ع) را شهید کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۵؛ مسعودی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۴۴۲).

اگر این مقدمه را بپذیریم که تلاش‌های ائمه^(ع) در هدایت جامعه در بستر مختصات زمانی و مکانی که در آن می‌زیستند قابل تفسیر و بررسی است، حیات سیاسی امام رضا^(ع) مشحون از نکات مختلف سیاسی و اجتماعی برای بهره‌مندی، الگوگیری و استخراج الگویی تمام‌عیار است. از طرف دیگر برای فهم تلاش‌های امام رضا^(ع) در مناظره‌ها، به نظر می‌رسد شرایط سیاسی و اجتماعی تأثیری مستقیم بر شکل‌گیری روند آزاداندیشی و کرسی‌های آزاداندیشی دارد. به عبارت دیگر، حیات سیاسی دوران امامت ایشان، این امکان را به حضرت می‌داد که با استفاده از فضای به‌وجود آمده، از آن در گسترش تفکر و فرهنگ شیعه استفاده و در قالب مناظره‌های آزاداندیشانه رضوی، پیام مکتب اصیل اسلامی را منتقل کنند.

حیات فکری امام رضا^(ع)

در دوران امامت امام رضا^(ع) به‌واسطه تلاش و مجاهدت علمی، اخلاقی و فرهنگی ائمه^(ع) تا حدودی انحراف‌های فکری و اخلاقی بی‌شمار کاسته شده اما مسائل دیگری پیش روی جهان اسلام قرار گرفته است. درگیری‌های امویان، عباسیان و علویان، برای ائمه^(ع) شرایطی را فراهم کرد تا در این بین، ارزش‌ها نشر یابد، انحراف‌ها زدوده شود و به‌واسطه سازمان وکالت و تربیت شاگردانی گرانمایه، گستره شیعیان افزایش یابد و نیز شبکه ارتباطی آنان با ائمه^(ع) وضعیت بهتری پیدا کند (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۱۳۰). عصر امام رضا^(ع) طوفانی‌ترین عصر فکری برای مکتب تشیع بود (سلمان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۱). کیفیت شهادت امام موسی بن جعفر^(ع)، زمینه پیدایش و رشد فرقه واقفیه را در بین شیعیان به‌وجود آورد (همان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۰۱). از طرفی فعالیت مترجمان و ترجمه آثار که از پایان عصر

بنی‌امیه شروع شده بود، به‌خوبی در جامعه اثر کرده و افکار انحرافی در جامعه اسلامی رسوخ پیدا کرده بود (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۷۱، ۱۲۴، ۱۲۶ و ۲۰۳). آزادی سیاسی همراه با کار فرهنگی که با تضعیف بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس در جامعه شروع شده بود، نتایج خود را به‌بار آورد. از طرفی، آنان که برای سقوط بنی‌امیه به بنی‌عباس کمک کرده بودند، بعد از روی کار آمدن بنی‌عباس و عملکرد آنان تازه فهمیدند که آنان نیز در جنایت و بی‌رحمی دست‌کمی از بنی‌امیه ندارند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵: ۳۹۸؛ درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۱۲۶ - ۱۲۴). لذا درصدد انقلابی بودند و علویان و غیر آنان در گوشه و کنار کشور، مردم را به انقلابی دوباره دعوت می‌کردند. حکومت بنی‌عباس با اختلاف بین مأمون و امین به ضعف گرایید. در این دوران هر فرقه، گروه و جمعیتی درصدد این بود که لیاقت و برتری خود را برای اداره جامعه و به‌دست گرفتن حکومت اثبات کند. در این زمان، مأمون با استفاده از گرایش اعتزالی خود بحث پیرامون عقاید را آزاد گذاشت و مردم نیز با دید عقل‌گرایانه معتزله به همه مسائل اسلامی نگاه می‌کردند. وی بیشتر آشفته کردن جو فکری جامعه از راه‌های گوناگون حتی از فرقه‌های کلامی غیرمسلمان نیز برای رسیدن به این اهداف کمک گرفت. در این دوران آشوب سیاسی، ارکان جامعه را فراگرفته و آشفتنگی فکری همه را سردرگم کرده بود (مسعودی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۱۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۰۰).

از این رو پس از سال ۱۸۳ ه.ق که امام کاظم^(ع) توسط هارون الرشید به شهادت رسیدند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۲۵۱)، فرصتی مناسب برای فعالیت فرهنگی و علمی امام رضا^(ع) پدید آمد. با این حال مشکلاتی نیز در برابر فعالیت‌های علمی ایشان در دوران امامت وجود داشته که مهم‌ترین آنها مسئله تهاجم فرهنگی درونی و بیرونی و تلاش حکومت عباسی برای انزوای امامت و ولایت است. از طرفی دیگر، شرایط فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی در عصر مأمون عباسی موجب شد تا پرسش‌ها و شبهه‌های زیادی ایجاد شود. پیدایش این وضعیت، پاسخگویی و دفاع از کیان اسلام و تشیع را توسط امام رضا^(ع) ایجاب می‌کرد.

توجه به مناظره‌های آن حضرت، عنایت و تلاش مجدانه ایشان را به دفع این شبهه‌ها نشان می‌دهد (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۷۱، ۱۲۴، ۱۲۶ و ۲۰۳)

هجوم افکار منحرف و نشر آن در جامعه از سوی مکاتب گوناگون از یک‌سو و تلاش دولت عباسی برای نشر افکار مکاتب مختلف در جامعه باعث شد تا بسیاری از جریان‌های فکری و کلامی در جامعه به دلیل داشتن پشتوانه سیاسی از سوی خلافت عباسی با نوعی مصونیت همراه باشند. از این گذشته شخص مأمون علاقه فراوانی به ترجمه کتاب‌های مختلف داشت. در منابع تاریخی آمده که مأمون در ترجمه کتاب‌ها کوشید و در این راه بسیار هزینه کرد (فضل‌الله، ۱۳۶۹: ۹۶). او در کنار تشویق مردم به مطالعه، با حکما معاشرت می‌کرد، به این ترتیب نشر دانش مسئله مطلوب روز شد و صاحبان علم، فلسفه و منطق را گرامی داشتند و مترجمان بسیاری به سمت مرکز خلافت عباسی رهسپار شدند. در میان خلفای عباسی کسی مانند مأمون، عالم و دانش دوست نبود و بدین جهت کتاب‌های فلاسفه یونان هم در عهد او به عربی ترجمه شد و بدین وسیله، آرای گوناگون در جامعه اسلامی مطرح شد (همان). مأمون عباسی که به ترجمه کتاب‌های یونانی علاقه داشت به پادشاه روم نامه نوشت و درخواست تعدادی کتاب کرد. پادشاه روم این درخواست را پذیرفت و هیئتی از دانشمندان از طرف مأمون کتاب‌ها را از روم آوردند و به دستور وی به عربی ترجمه کردند و بدین ترتیب این کتاب‌های بیگانگان رواج یافت. بخشی از کتاب‌ها فلسفی بود، با ترجمه این کتاب‌ها، مسلمانان با فرهنگ‌های بیگانه و به‌ویژه با فرهنگ یونان آشنا شدند. علاوه بر هجوم افکار خارج از سرزمین‌های اسلامی، به دلیل گرایش مأمون به مکتب اعتزال (سبحانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۴۱)، این جریان فکری در جامعه رونق بیشتری گرفت. از طرف دیگر، مکتب فکری اهل حدیث نیز تلاش کردند در مقابل جریان اعتزال ایستاده و از مکتب فکری خود دفاع کنند. مسائلی نظیر جبر و اختیار، امامت جامعه، عدل الهی، قضا و قدر و ... موضوع‌هایی بودند که هم مکاتب داخل اسلام یعنی اعتزال و اهل حدیث بر سر آن مناظره داشتند و هم مکاتب فکری خارج از اسلام مدعی حل این مسائل بودند. از طرف دیگر

اعتقادات و مسائل کلامی نیز به یکی از دلمشغولی‌های ذهنی افراد جامعه تبدیل شده بود (جعفریان، ۱۳۸۱: ۴۵۰). مشرب‌ها و مکاتب فکری مختلف هر یک تلاش می‌کردند تا از منظومه فکری خود مسائل کلامی جامعه را حل کنند و در بسیاری از موارد، آموزه‌های وحیانی و نبوی تحت الشعاع این هجوم فکری قرار می‌گرفت. در این موقعیت، وجود مترجمانی که پیرو متعصب آیین‌های منحرف شمرده می‌شدند و از ترجمه به‌عنوان ابزار نشر باورهای مسموم خود بهره می‌بردند، مایه نگرانی بود. در این گسیختگی فرهنگی است که وظیفه سنگین امام رضا^(ع) آشکار می‌شود. ایشان در برابر این امواج سهمگین و خطرناک، به دفاع از عقیده و فرهنگ جامعه اسلام برخاستند و با رهبری حکیمانه، جریان‌های فکری جامعه را از خطر التقاط و انحراف آگاه ساختند. از اقدام‌های مهم و قابل توجه ایشان در این زمینه، بهره‌گیری از محافل فراوان مناظره است که میان دانشمندان بزرگ ادیان، مکاتب مختلف و امام^(ع) در خطه خراسان شکل می‌گرفت. مأمون اساس این محافل را سازمان داد. انگیزه اصلی او در این امر مورد اختلاف مؤرخان است، ولی شواهد تاریخی، سیاسی بودن حداقل برخی از آنها را کاملاً تأیید می‌کند و از آنجا که معمولاً مسائل سیاسی انگیزه واحد ندارد، می‌توان سرگرم کردن مردم برای غافل ماندن از مسائل اصلی جامعه و نقاط ضعف حکومت، پایین آوردن مقام امام^(ع) در نظر دانشمندان و به‌مخصوص مردم ایران را بخشی از انگیزه‌های مأمون دانست. زمانی که امام رضا^(ع) در خراسان بودند، مأمون از سلیمان مروزی - از متکلمان خراسان - دعوت کرد تا در مجلس مناظره با حضور امام رضا^(ع) شرکت کند و با وجود اینکه وی اظهار کراهت می‌کند، مأمون اصرار کرده و به صراحت بیان می‌کند که هدف واقعی از برگزاری این مناظره، خوار و خفیف ساختن امام^(ع) است (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۰۱). در منابع تاریخی نقل شده روزی مأمون برخی از دانشمندان و متکلمان آن روزگار را گرد خود آورد و از امام^(ع) درخواست کرد که در مجلسی برای مناظره با آنان حاضر شوند. امام رضا^(ع) از نیت مأمون درباره برگزاری چنین جلسه‌هایی آگاهی داشتند و به حسن‌بن نوفلی در این مورد چنین فرمودند که بنای مأمون از تشکیل چنین جلسه‌هایی به رفع

تبارشناسی آزاداندیشی در سنت ... ❖ ۹۵

شبهه‌ها و اثبات حقایق بر گمراهان نیست؛ بلکه وی قصد امتحان دارد و پشیمان می‌شود. «علم المأمون أن الذی هو بسبیلہ لیس بمستحق له فعند ذلک تكون الندامه مه و لاحول و لاقوه إلا بالله العلی العظیم؛ آن دم مأمون نادم شده، می‌داند که آن موضع و مکان که سبیل سلوک در آن است او نه مستحق آن است در آن وقت اظهار ندامت و خجالت کند و لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم» (همان: ۴۱۶ و ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۶). آنچه این احتمال را تقویت می‌کند آن است که دربار مأمون تا پیش از شهادت امام^(ع)، پیوسته محل برگزاری این مناظره‌ها بود، ولی پس از آن، دیگر اثری از این مجالس علمی و بحث‌های کلامی دیده نشد (نصیری، ۱۳۸۹: ۲۵۶ - ۲۵۵). همچنین شیخ صدوق^(ع) نقل کرده است که امام رضا^(ع) در قالب برگزاری جلسه‌های علمی و مناظره، به بیان اصول دینی و مذهبی و گسترش معارف حقه اهل بیت^(ع) می‌پرداختند. هنگامی که مأمون از این مطلب مطلع شد، احساس خطر کرده و تصمیم به تعطیلی این جلسه‌ها گرفت. مأمون، محمدبن عمرو طوسی حاجب خود را مأمور کرد که مانع شرکت مردم در این مجلس شود و آن حضرت را احضار کرد، چون چشمش به ایشان افتاد پرخاش و بی‌احترامی کرد، امام^(ع) با حالتی از پیش مأمون بیرون آمدند که وی را نفرین می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۷۲).

روش‌شناسی مناظره‌های امام رضا^(ع)

آنچه در مناظره‌های امام رضا^(ع) اهمیت بسزایی دارد، موضع برتر ایشان و پیروزی در گفتگوهاست که نتایجی چون تسلیم طرف‌های مناظره و در مواردی تشریف آنان به دین مبین اسلام را در پی داشت. به‌طور کلی ویژگی این مناظره‌ها عبارت‌اند از:

۱. به‌کارگیری استدلال‌های عقلی در کنار بهره‌گیری از کتاب و سنت و نیز استناد به اشتراک‌های بین ادیان مختلف به شیوه‌های عقلانی؛

۲. نشان دادن و آشکار شدن روح آزادمنشی اسلام و وسعت نظر امام رضا^(ع) در همه

مباحث؛

۳. بهره‌گیری امام^(ع) از زبان‌های مختلف؛

۴. ایفای رسالت برای مبارزه با انحراف‌ها و اثبات جامعیت امام رضا^(ع) در تمام زمینه‌ها و مباحث علمی؛^۱
۵. امام رضا^(ع) برای حفاظت از حریم دین و پیشگیری و پیراستن دامن پاک آن از تحریف عالم‌نمایان، همواره با روش‌های ایده‌آل و جذاب علمی و فرهنگی می‌کوشیدند تا مناظره‌ها، همیشه در مسیر عزت و سربلندی اسلام و تشیع، نتیجه‌بخش و سودمند باشد؛
۶. الزام طرف مناظره با استفاده از دانسته‌های وی؛
۷. برانگیختن نیروی خرد طرف مناظره؛
۸. اثبات عقلانی احکام و اهمیت تفکر؛
۹. اجازه پرسش و آزادی بحث؛
۱۰. تأکید بر رعایت انصاف؛
۱۱. درس عملی برای اجرای فرائض؛
۱۲. احترام و تکریم متقابل؛
۱۳. استفاده از شیوه جدل برای ارشاد و هدایت؛
۱۴. بهره‌گیری از تمثیل و تشبیه؛
۱۵. تکیه بر دلایل متقن؛
۱۶. بیان اصول و معیارهای کلی و عقلانی؛
۱۷. عمیق و در عین حال کوتاه؛
۱۸. نظم منطقی مباحث و سامانه علمی آن؛
۱۹. الزام طرف مقابل به پذیرش اشتباه خود (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۴۰؛ فضل‌الله، ۱۳۶۹: ۲۰۵).

با توجه به نکته‌های پیش‌گفته، تفوق علمی امام رضا^(ع) در همه مناظره‌ها چنان چشمگیر بوده است که مخاطبان در برابر کمال‌های معنوی و مقام علمی شامخ ایشان، سر تسلیم فرود

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توان به کتاب گرانسنگ عیون اخبارالرضا^(ع) و قسمت مناظره‌های آن مراجعه کرد.

آوردند و آن بزرگوار نیز همانند دیگر امامان پیش از خود با سعه صدر و استفاده از اصول عقلانی و منطقی به دفاع از دین و مذهب پرداختند (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۱۲۸). این امر خود موجب شهرت علمی امام^(ع) و اطلاع مسلمانان از احاطه ایشان بر همه مسائل و در نتیجه، سبب تبلیغ اسلام و ترویج مذهب تشیع شد، آن هم در زمانه‌ای که باورهای دینی از هر سو مورد هجوم قرار داشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۲۶۷ - ۲۶۳). به‌درستی می‌توان ادعا کرد که بیانات امام^(ع) در عرصه این مناظره‌ها از دو جنبه روش و محتوا، نه فقط در آن مقطع تاریخی که در همه روزگاران می‌تواند پاسخگوی شبهه‌ها در موضوع‌های مختلف دین باشد. استقبال اهل بیت^(ع) از محافل مناظره، بیانگر تأیید تبادل اندیشه و بحث‌های آزاد و اعتقاد به استدلال‌پذیر بودن مبانی اعتقادی اسلام است. از این رو، با عنایت به نیاز عصر حاضر برای پاسخگویی به شبهه‌ها، بازخوانی مناظره‌های امام رضا^(ع) ما را به موارد ذیل رهنمون می‌سازد:

۱. تولید علم در گروه تضارب آراء و مقایسه اندیشه‌هاست. تشکیل کرسی‌های نقد و مناظره و گفتگوهای هدایت‌شده موجب بالندگی معارف اسلامی می‌شود. حتی مناظره‌های نوشتاری در قالب وبلاگ‌های اینترنتی و تالارهای گفتگو و حتی وبسایت‌هایی که بدین منظور طراحی شده‌اند می‌توانند روش‌های پیشوایان دین را سر لوحه خود قرار داده و تلاش‌های نافرجام جریان‌های فکری برای ایجاد شبهه‌ها را پاسخ گویند، چراکه تضارب آرای فکری با شیوه گفتگو و تعامل و فارغ از هرگونه غوغاسالاری، امروزه نیز از مؤثرترین شیوه‌های تبلیغ به‌شمار می‌رود و در تولید علم، نظریه‌سازی و نواندیشی نقش اساسی ایفا کرده، ابرهای تیره را از پیش روی خورشید حقیقت کنار می‌زند؛

۲. مجالس مناظره، میدان مبارزه‌ای بوده که پیروزی در آن محتاج توانمندی و بضاعت است و مدعیان بی‌مایه و ناتوان، در این عرصه قافیه را می‌بازند.

ائمه^(ع) برای تبلیغ دین، با توجه به موقعیت‌های سیاسی و فرهنگی خویش، در مکان‌ها و به شیوه‌های مختلف به تبلیغ دین و ایراد حدیث می‌پرداختند. با توجه به قرائن و شواهدی

که در کتاب‌های حدیثی و تاریخی وجود دارد، محافل علمی امام رضا^(ع) نیز متنوع بوده است. مدینه به‌عنوان پایگاه علمی، در زندگی اکثر ائمه^(ع) نقش مهمی داشته است. امام رضا^(ع) نیز بیشتر دوران امامت خویش را در این شهر گذراندند. نگاهی به تنوع مکانی مناظره‌ها نشان از اهمیت روش مناظره در ترویج فرهنگ آزاداندیشی دارد. این نکته در موضوع مورد بحث یعنی آزاداندیشی در سنت مردم‌سالاری دینی اهمیتی دوچندان می‌یابد.

۱. مسجدالنبی

مسجد مدینه در زمان صادقین^(ع) محل درس این بزرگواران بود. چنانچه طبق برخی شواهد، درس‌های امام باقر^(ع) در مسجد مدینه تشکیل می‌شد. امام رضا^(ع) نیز مانند اجداد خویش در مسجد مدینه حلقه علمی و درسی تشکیل می‌داد، به‌نحوی که برخی، در زمان آن حضرت، از مسجدالنبی به‌عنوان حوزه علمیه امام^(ع) یاد می‌کنند (همان، ج ۴۹: ۱۰۰). هر چند که به گمان برخی، پس از مجالس مناظره‌ای که در خراسان (به دستور مأمون) برپا شد، علم و دانش امام^(ع) بر همگان آشکار شد، اما باید توجه داشت که مقام علمی امام رضا^(ع) پیش از عزیمت ایشان به خراسان نیز مورد توجه خاص و عام قرار داشت و سفر به خراسان و جلسه‌های مناظره به خواست خداوند به محفلی برای خوار شدن و اعتراف مخالفان اهل بیت^(ع) تبدیل شد. از حضرت نقل شده:

كنت أجلس في الروضة و العلماء بالمدینه متوافرون فإذا أعيالواحد منهم عن
مسألة أشاروا إلي بأجمعهم و بعثوا إلي بالمسائل فأجيب عنها؛ در حرم پیامبر اکرم^(ص)
می‌نشستم، دانشمندان مدینه اجتماع می‌کردند هر کدام در مسئله‌ای فرو می‌ماندند،
به من اشاره می‌کردند و پیش من می‌فرستادند جواب آنها را می‌دادم (همان).

۲. منزل امام^(ع)

امام رضا^(ع) در منزل خویش به‌صورت جمعی یا فردی پذیرای مراجعان بودند و ضمن دیدار با آنها، به سؤال‌ها یا اشکال‌های آنها پاسخ می‌دادند. حتی هنگامی که منزل را خلوت

تبارشناسی آزاداندیشی در سنت ... ❖ ۹۹

می‌دیدند، غلامان و اطرافیان خود را از کوچک و بزرگ جمع می‌کردند و برای آنان حدیث می‌گفتند (سلمان نژاد، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۶۳).

۳. سفر به مراکز علمی

سفر به مراکز علمی از جمله بصره، کوفه و ایران و دیدار با مردم این شهرها، سبب تشکیل محافل علمی می‌شد و حضرت رضا^(ع) در این مراکز به ایراد حدیث می‌پرداختند، در حالی که چنین موقعیتی برای هیچ‌یک از پدران آن حضرت پیش نیامده بود. حاکم نیشابوری در تاریخ خود می‌نویسد: امام رضا^(ع) در سال ۱۹۴ ق. به بصره رفتند و به درس حدیث و نشر علم پرداختند (فضل‌الله، ۱۳۶۹: ۲۰۸؛ محبی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۶).

مناظره و آزاداندیشی؛ الگوی مبنا در مردم‌سالاری دینی

عوامل سیاسی و اجتماعی جامعه معاصر امام رضا^(ع)، زمینه را برای نشر و ترویج افکار و مکاتب اندیشه‌ای مختلف و متعدد فراهم ساخت. در این بین، روش مناظره آزاداندیشی می‌توانست بهترین روش برای اثبات حقایق تفکر اسلام و معارف اهل بیت^(ع) باشد. اینکه امام رضا^(ع) می‌فرمودند حاضر هستند با عالم هر دینی با مقبولات همان دین مواجه کنند دلیلی بر این مدعاست.

قال^(ع): إذا سمع احتجاجی علی أهل التوراة بتوراتهم، وعلی أهل الانجیل بانجیلهم، وعلی أهل الزبور بزبورهم، وعلی الصابین بعیرانیتهم، وعلی الهراذة بفارسیتهم، وعلی أهل الروم برومیتهم، وعلی أهل المقالات بلغاتهم، فإذا قطعت كل صنف، ودحضت حجته، وترک مقالته، ورجع إلی قولي، علم المؤمن ان الذی هو بسبيله لیس بمستحق له، فعند ذلك تكون الندامة منه، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظيم (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۶؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۶).

بنابراین حداقل‌های آزادی بیان لازمه شکل‌گیری کرسی‌ها و محافل آزاداندیشی و نظریه‌پردازی بوده و نقشی جدی و شگرف در شکل‌گیری فرهنگ این مهم دارد. از طرف

دیگر فضای باز سیاسی خود باعث پدید آمدن زمینه تداوم بحث‌ها و به تبع آن زمینه‌ساز رشد معارف مختلف خواهد شد.

فضای باز سیاسی عصر امام رضا^(ع) خود فرصتی بود که برای ائمه^(ع) قبل از ایشان وجود نداشت (مجلسی، ۴۰۳: ۴۹، ج ۱۱۳) و از طرف دیگر به دلیل فعالیت‌های علمی شخص خلیفه یعنی مأمون و شکل‌گیری حجم انبوهی از سؤال‌های اعتقادی، کلامی و معرفتی در بین عوام و خواص جامعه باعث شد تا بخش‌ها و اقشار مختلف جامعه تشنه معرفت‌نابی شوند که بتواند آنان را از این وضعیت حیرت و ضلالت رهایی دهد (عاملی، ۱۳۶۵: ۲۳۴). امام رضا^(ع) در این فضا با بهره‌گیری از فضای آزاداندیشی تلاش کردند تا زمینه نشر معارف اهل بیت^(ع) را فراهم کنند و در میدان مناظره و گفتگو، حقانیت معارف ایشان را به صورت استدلالی و منطقی و شفاف و روشن بیان کرده و نشر دهند. از این رو در بین ائمه^(ع)، ایشان از سوی دوست و دشمن به عالم آل محمد^(ص) ملقب شدند و دریایی عظیم از سخنان و احادیث گرانسنگی از این امام^(ع) باقی ماند.

قَالَ أَبُو الصَّلْتِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ
مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ^(ع) كَانَ يَقُولُ لِبَنِيهِ هَذَا أَخُوكُمْ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَالِمُ آلِ مُحَمَّدٍ^(ص)
فَسَلُّوهُ عَنْ أَدْيَابِكُمْ وَ احْفَظُوا مَا يَقُولُ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرِ بْنَ مُحَمَّدٍ^(ع) غَيْرَ مَرَّةٍ
يَقُولُ لِي إِنَّ عَالِمَ آلِ مُحَمَّدٍ^(ص) لَفِي صَلْبِكَ وَ لَبَنِي أَدْرَكْتَهُ فَإِنَّهُ سَمِيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
عَلِيَّ^(ع)؛ اسحاق بن موسی بن جعفر^(ع) می‌گفت: پدرم به فرزندان‌ش می‌فرمودند: این
برادر شما علی عالم آل محمد^(ص) است، مسائل خود را از وی بپرسید و مطالب او
را نگهداری کنید، من از پدرم جعفر بن محمد^(ع) شنیدم که مکرر می‌گفتند: عالم
آل محمد^(ص) در صلب توست کاش او را می‌دیدم، وی با امیرالمؤمنین^(ع) همنام
است (مجلسی، ۴۰۳: ۴۹، ج ۱۰۰).

از این رو اخبار و احادیث باقی‌مانده از این امام^(ع) قابلیت تبویب و فهرست‌بندی داشته و از قرن سوم در میراث شیعی به صورت عناوین مجزا تألیف و تدوین شده است (مفید، ۴۱۳: ۲؛ ۲۳۸؛ مجلسی، ۴۰۳: ۴۹، ج ۱۵۹). به عبارت دیگر سنت و سیره امام

تبارشناسی آزاداندیشی در سنت ... ❖ ۱۰۱

رضاع^(۴) یک نمونه و الگوی زنده از نشر و ترویج معارف اهل بیت^(ع) مبتنی بر روش و الگوی آزاداندیشی است که توانسته در بستر فکری و سیاسی جامعه و عصر خود مفید باشد. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی برآمده از اندیشه سیاسی تشیع و مبتنی بر سنت مردم‌سالاری دینی می‌تواند با الگوگیری از این سیره و روش، انبوه شبهه‌های فکری، معرفتی، اعتقادی، سیاسی و ... را پاسخ داده و مدیریت کند. سیره و سنت امام رضاع^(ع) این گزاره را اثبات می‌کند. بهترین روش برای نشر معارف حقیقی و ناب در بستر شرایط فکری و سیاسی متلاطم، روش آزاداندیشی بوده و بی‌شک این مهم در نظام جمهوری اسلامی ایران دارای اولویت نیز است.



نمودار ۱. تأثیر و تأثر مؤلفه‌های مختلف در شکل‌گیری عرصه آزاداندیشی

❖ نتیجه‌گیری

۱. امروزه آزاداندیشی به‌عنوان آرمان مدنظر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حوزه علم و دانش در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است؛
۲. از طرف دیگر برای رسیدن به این آرمان، نیازمند الگو و روشی برخاسته از مکتب و منبع دینی هستیم. به‌عبارت دیگر باید برای ترویج و نشر فرهنگ آزاداندیشی در نظام مردم‌سالار دینی از تبار و ریشه‌ای دینی بهره برد؛
۳. حیات سیاسی و فکری امام رضا^(ع) به‌دلایل مختلف و متعدد سیاسی و اجتماعی، زمینه شکل‌گیری الگو و روشی منطقی و مستدل را برای آرمان و هدف آزاداندیشی فراهم آورده است؛
۴. فضای باز سیاسی نسبی عصر امام رضا^(ع) در مقایسه با ائمه^(ع) پیشین، هجمه افکار و شبهه‌ها به‌دلیل ترویج مکاتب مختلف فکری و اعتقادی باعث شد تا امام رضا^(ع) برای ترویج معارف اهل بیت^(ع) از روش مناظره و آزاداندیشی بهره بگیرند؛
۵. از این منظر، سنت و سیره رضوی برای سنت مردم‌سالاری دینی می‌تواند از یک‌طرف به‌عنوان تبار و ریشه و از طرف دیگر به‌عنوان یک شاخص و الگو مطرح شود؛
۶. برای بهره‌گیری از این الگو، کنکاش و تحلیل عمیق و دقیق حیات سیاسی و فکری عصر امام رضا^(ع) و همچنین استخراج روش مناظره‌های ایشان به‌عنوان متن آرمان آزاداندیشی باید مطمئن نظر باشد.

منابع و مأخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا*^(ع). تصحیح علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: صدوق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۷ق). *عیون اخبار الرضا*^(ع). به کوشش سیدمهدی حسینی لاجوردی، چاپ اول، قم: جهان.
- اریلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق). *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*. حسین زوانی، تبریز: اسلامیه.
- اصفهانى، ابوالفرج علی بن الحسین، (۱۳۴۷). *مقاتل الطالبیین*. به کوشش بهزاد جعفری، تهران: جعفری راد.
- امین، احمد، (۱۴۰۳ق). *اعیان الشیعه*. تحقیق حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۱). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*^(ع). قم: انصاریان.
- حسینی، جعفر مرتضی، (۱۳۷۵). *زندگی سیاسی هشتمین امام*^(ع). مترجم سیدخلیل خلیلیان، تهران: فرهنگ اسلامی.
- نضری، سید احمد رضا، (۱۳۹۱). *تشیع در تاریخ*. تهران: معارف.
- درخشه، جلال و سیدمهدی حسینی فائق، (۱۳۹۱). *سیاست و حکومت در سیره امام رضا*^(ع). تهران: بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا^(ع).
- سیحانی، جعفر، (۱۴۱۱ق). *الملل و النحل*. قم: لجنه الاداره الحوزه العلمیه.

۱۰۴ ❖ فرهنگ رضوی

- سلمان نژاد، مرتضی، (۱۳۹۱). *جستاری در ادعیه رضویه با تکیه بر الصحیفه الرضویه الجامعه*. دبیر علمی مهدی ایزدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).
- سلمان نژاد، مرتضی، (۱۳۹۲). *ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا^(ع)*. دبیر علمی. احمد پاکتچی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی اهل اللجاج*. مشهد: مرتضی. عاملی، جعفر مرتضی، (۱۳۶۵). *زندگانی سیاسی امام رضا^(ع)*. قم: اسلامی.
- عطاردی، عزیزالله، (۱۳۶۸). *اخبار و آثار حضرت امام رضا^(ع)*. تهران: کتابخانه صدر.
- فضل الله، محمدجواد، (۱۳۶۹). *تحلیلی از زندگانی امام رضا^(ع)*. مترجم سید محمدصادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- قرشی، باقر شریف، (۱۳۸۲). *پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا^(ع)*. تهران: دارالمکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- محبی پور، صفری، (۱۳۸۸). *نقش امام رضا^(ع) در حدیث شیعیه*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
- محدثی، جواد، (۱۳۷۷). *تاریخ سیاسی ائمه^(ع)*. تهران: مدرسه برهان.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۳۴۷). *مروج الذهب*. مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مطهری مرتضی، (۱۳۷۷الف). *سیری در سیره ائمه اطهار^(ع)*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷ب). *سیری در سیره نبوی*. تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. تحقیق موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، الطبعه الأولى، قم: المؤتمر العالمی للافیه الشیخ المفید.
- موحدی ساوجی، علی، (۱۳۸۰). *ولایتعهدی حضرت رضا^(ع)*. تهران: سهاره.
- نصیری، محمد، (۱۳۸۹). *تاریخ تحلیلی صدر اسلام*. تهران: معارف.
- نویختی، حسن بن موسی، (۱۳۵۵ق). *فرق الشیعیه*. به کوشش محمدصادق بحر العلوم. نجف.
- نوحه‌خوان، محمدحسین، (۱۳۸۹). *الگوهای فردی و اجتماعی امام رضا^(ع)*. تهران: گنجینه یاد.
- <http://korsiha.ir/page/regulations.php>
- بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان. ۱۳۸۵/۰۸/۱۷.
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>
- بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17466>